

بداء یا محور و اثبات الهی

<"xml encoding="UTF-8?">

بسم الله الرحمن الرحيم

بداء یا محور و اثبات الهی

علامه سید مرتضی عسکری

یمحو الله ما یشاء و یتثبت و عنده ام الكتاب

خداوند هر چه را بخواهد، محو و نابود، و هر چه را بخواهد اثبات می کند و ام الكتاب (= لوح محفوظ) نزد اوست .
رعد / 39

معنای بداء در لغت و اصطلاح

نخست - معنای لغوی بداء:

بدا در لغت دو معنی دارد:

1 - بدا الامر بدوا و بداء، یعنی : این موضوع آشکار و واضح شد. پس ، یکی از معانی بداء آشکار شدن و وضوح است .

2 - بدا له فی الامر کذا، یعنی : در این موضوع چنین راییی برایش پیدا شد؛ رای تازه ای پیدا کرد.

دوم - معنای بداء در اصطلاح علمای عقاید اسلامی :

علمای عقاید اسلامی گفته اند: بداء درباره خداوند، آشکار کردن چیزی است که بر بندگان مخفی بوده و ظهورش برای آنان تازگی دارد.

بنابراین ، کسانی که پنداشته اند مقصود از بداء درباره خداوند این است که برای حق تعالی نیز، همانند مخلوقات ، رای تازه ای - غیر از آنچه پیش از بداء داشته - پیدا می شود، سخت در اشتباهند، راستی را که خداوند برتر و بالاتر از آن است که می پندارند.

معنای بداء در قرآن کریم

الف - خدای متعال در دو موضع از سوره رعد آیات (7 و 27) می فرماید:

و يقول الذين كفروا لو لا انزل عليه آیه من ربه ...

کسانی که کافر شدند می گویند: چرا آیت و معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نشده ؟...

سپس در آیات (38 - 40) همان سوره می فرماید:

... و ما کان لرسول ان یاتی بایه الا باذن الله لکل اجل کتاب O یمحو الله ما یشاء و یتثبت و عنده ام الكتاب O و

ان ما نرینک بعض الذی نعدهم او نتوفینک فانما علیک البلاغ و علینا الحساب O

هیچ پیامبری را نشاید که آیت و معجزه ای بیاورد مگر به فرمان خدا. هر دورانی را سرنوشتی است . خداوند هر چه را بخواهد محو و نابود، و هر چه را بخواهد اثبات و بر جای می گذارد، و ام الكتاب (= لوح محفوظ) نزد اوست . و اگر پاره ای از آنچه را که به آنان وعده می دهیم به تو نشان دهیم ، یا تو را (پیش از موعد) بمیرانم ، در هر حال ، آنچه بر عهده توست تنها تبلیغ و رساندن است ، حساب (آنان) بر ماست .

شرح کلمات

1 - آیه

آیه در لغت علامت و نشان آشکار است . چنانکه این شاعر گفته است :

و فی کل شی له آیه

تدل علی انه واحد

در هر چه که بنگری نشانه آشکار وجود خداوند و دلیل روشن یکتائی او است .

معجزات انبیا از آن رو آیت نام گرفته که نشان درستی آنان ، و دلیلی بر قدرت الهی است . همو که ایشان را توان آوردن چنان معجزاتی مانند عصای موسی و ناقه صالح بخشیده و در آیات (67) سوره شعرا و (73) سوره اعراف بدان اشارت فرموده است .

قرآن کریم ، همچنین انواع عذاب ها را که خداوند بر امت های کافر نازل فرموده ، آیت نامیده است . چنانکه در سوره شعراء درباره قوم نوح می فرماید:

ثم اعرفنا الباقين 0 ان فی ذلك لایه ...

سپس برجای ماندگان را عرق کردیم . راستی را که در آن آیت و نشانه ای است . شعراء / 120 - 121

و درباره قوم هود می فرماید:

فكذبوه فاهلكناهم ان فی ذلك لایه

آنان پیامبرشان هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم . راستی را که در آن آیت و نشانه ای است . هود /

139

و درباره قوم فرعون در سوره اعراف فرموده :

فارسلنا عليهم الطوفان و الجراد و القمل و الضفادع و الدم آيات مفصلات

پس ، طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه و خون را - که آیات و نشانه های جدا جدا بودند - بر آنان فرستادیم .

اعراف / 133

2 - اجل

اجل یعنی : مدت ، وقت و زمان محدود، سرانجام و پایان کار. اینکه می شود: فلان کس اجلش فرا رسید، یعنی : مرد و مدت عمرش به سر آمد. و اینکه گفته می شود: برای آن اجل تعیین شده ، یعنی : برای آن وقت محدودی قرار داده اند.

3 - کتاب

برای کتاب معانی متعددی است و مقصود از آن در اینجا مقدار نوشته شده یا مقدر است ، و معنای : لکل اجل کتاب که در آیه آمده این است که : زمان آوردن معجزه به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله از پیش تعیین شده ، یعنی : هر دورانی را سرنوشتی معین است .

4 - میحو

میحو یعنی : محو می کند، زایل می گرداند. محو در لغت به معنای باطل کردن و از بین بردن است . همان گونه که خدای متعال در سوره اسراء (12) می فرماید:

فمحونا آیه اللیل و جعلنا آیه النهار مبصره

پس نشانه شب را محو کرده و نشانه روز را روشنی بخش قرار دادیم .

و در سوره شوری (24) می فرماید:

و یمح الله الباطل و یحق الحق بکلماته

خداوند باطل را محو و نابود و حق را به فرمان خود ثابت و استوار می دارد.

یعنی آثار باطل را از بین می برد.

تفسیر آیات

خدای سبحان در آیات گذشته می فرماید: کفار قریش از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست کردند تا برای آنان معجزاتی بیاورد، خداوند نوع درخواست آنان را نیز در سوره اسراء بیان داشته و فرموده :
و قالوا لن نومن لك حتى تفجر لنا من الارض ينبوعا... او تسقط السماء كما زعمت علينا كسفا او تاتي بالله و الملائكة قبیلا

و گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا آنکه چشمه جوشانی از این سرزمین برای ما بیرون آوری ... یا قطعات آسمان را - آن گونه که می پنداری - بر سر ما فرود آوری ، یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری . اسراء / 90 - 92

و در آیه (38) سوره رعد می فرماید:

و ما كان لرسول ان ياتي بایه هیچ پیامبری حق ندارد معجزه ای را - که از او خواسته اند - بیاورد الا باذن الله مگر به فرمان خدا. زیرا، هر کاری در تقدیر مکتوب الهی زمان ویژه ای دارد.

خداوند در آیه بعد، بدون فاصله ، استثنای از تقدیر مکتوب را بیان داشته و می فرماید: یمحو الله ما یشاء خداوند هر چه را بخواهد محو می کند، یعنی : دست خدا بسته نیست و هر جا که خواست رزق و اجل و سعادت و شقاوت را در این مکتوب مقدر، تغییر می دهد. و یثبت و هر چه را بخواهد - از نانوشته ها - در آن جای می دهد: زیرا و عنده ام الكتاب اصل کتاب تقدیر و سرنوشت یعنی لوح محفوظ که هیچ گونه تغییر و تبدیلی در آن نیست ، نزد خداست .

بدین خاطر بعد از آن می فرماید: و ان ما نرينك بعض الذي نعدم و اگر پاره ای از مجازات ها را که به آنان وعده می دهیم (در زمان حیات) به تو نشان دهیم ، او نتوفینک . یا تو را (پیش از آن) بمیرانیم ، فانما عليك البلاغ در هر حال ، تو تنها ابلاغ کننده ای و بس .

طبری و قرطبی و ابن کثیر در تفسیر این آیه روایتی آورده اند که موید گفتار ماست و فشرده آن چنین است :
خلیفه دوم عمر بن خطاب پیرامون خانه خدا طواف می کرد و می گفت :

اللهم ان كنت كتبتني في اهل السعادة فاثبتني فيها، و ان كنت كتبتني في اهل الشقاوه و الذنب فامحني و اثبتني في اهل السعادة و المغفره ، فانك تمحو ما تشاء و تثبت و عندك ام الكتاب

خدایا: اگر مرا در زمره سعادتمندان قرار داده ای ، در آن استوارم دار، و اگر از شقاوتمندان و گناهکارانم نوشته ای ، نامم را از آن محو و در میان سعادتمندانم جایگزین بفرما. زیرا، تو هر چه را بخوانی محو یا برقرار می داری .
و از قول صحابی پیامبر ابن مسعود روایت شده که می گفت :

اللهم ان كنت كتبتني في السعداء فاثبتني فيهم ، و ان كنت كتبتني في الاشقياء فامحني من الاشقياء و اكتبني في السعداء، فانك تمحو ما تشاء و تثبت و عندك ام الكتاب

خدایا: اگر مرا در زمره سعادتمندان قرار داده ای ، در بین آنان استوارم دار، و اگر در زمره شقاوتمندانم نوشته ای ، از میان اشقیایم محو و در بین سعادتمندانم جای گزین فرما. زیرا، تو هر چه را بخواهی محو یا برقرار می داری ، و کتاب اصلی نزد توست .

و از قول ابی وائل آورده اند که بارها می گفت :

اللهم ان كنت كتبتنا اشقياء فامح و اكتبنا سعداء. و ان كنت كتبتنا سعداء فاثبتنا، فانك تمحو ما تشاء و تثبت و عندك ام الكتاب

خدایا: اگر ما را در زمره بدبختان قرار داده ای ، از بین آنان محو و در زمره نیک بختانمان جای گزین فرما، و اگر در زمره نیک بختان قرارمان داده ای در آن استوارمان دار. زیرا، تو هر چه را بخواهی محو یا برقرار می داری ، و کتاب اصلی نزد توست . (1)

در بحارالانوار آمده است :

و ان كنت من الاشقياء فامحني من الاشقياء و اكتبني من السعداء، فانك قلت في كتابك المنزل على نبيك صلواتك عليه و آله : يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده ام الكتاب

و اگر از بدبختانم ، مرا از زمره آنان محو و در بین نیک بختان جایگزین فرما. زیرا، تو در کتاب خود که بر پیامبرت صلی الله علیه و آله نازل شده فرموده ای : خداوند هر چه را بخواهد محو یا برقرار می دارد و کتاب اصلی نزد اوست . (2)

قرطبی نیز، در ذیل روایتی که از صحیح بخاری و مسلم آورده ، بر این معنی استدلال کرده است ، روایت می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

من سره ان يبسط به في رزقه و ينسالة في اثره - اجله - فليصل رحمه

کسی که از وسعت روزی و زیادتی عمر خشنود می گردد، به خویشاوند خود نیکی نماید. (3)

و از ابن عباس نقل کرده که او در جواب کسی که پرسید: چگونه در عمر و اجل زیادتی می شود؟ گفت : خدای عز و جل فرموده :

هو الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلا و اجل مسمى عنده

او کسی است که شما را از گل آفرید، سپس مدتی مقرر داشت ، و اجل حتمی نزد اوست . (4)

ابن عباس گفت : اجل اول در آیه اجل بنده از تولد تا مرگ است ، و اجل دوم - یعنی آنچه نزد خداست - از زمان مرگ تا قیامت است که در برزخ به سر می برد، و کسی جز خدا آن را نمی داند. پس ، اگر بنده ای از خدا بترسد و صله رحم به جای آورد، خداوند هر چه بخواهد از عمر برزخی او کاسته و به عمر اولش می افزاید، و اگر نافرمانی کند و قطع رحم نماید، خداوند هر چه بخواهد از عمر دنیائی اش کاسته و به عمر برزخی اش می افزاید... (5)

ابن کثیر بر این استدلال افزوده و سخنی گفته که فشرده آن چنین است :

این سخن با روایتی که احمد و نسائی و ابن ماجه آورده اند هماهنگ می نماید، آنان آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ان الرجل ليحرم الرزق بالذنب يصيبه و لا يرد القدر الا الدعاء و لا يزيد في العمر الا البر

انسان گاهی به خاطر گناه از روزی محروم می گردد، و چیزی جز دعا بلا و سرنوشت را باز نمی گرداند، و چیزی جز نیکی عمر را نمی افزاید. (6)

و در حدیث دیگری فرموده :

ان الدعاء و القضاء ليعتلجان بين السماء و الارض

دعا و سرنوشت در میان آسمان و زمین با هم مبارزه می کنند. (7)

آنچه آوردیم یکی از چند وجهی بود که در معنای این آیه گفته اند، وجوه دیگری نیز در معنای آیه آورده اند، مانند

این سخن که : مراد از محو و اثبات در آیه : محو حکمی و اثبات حکم دیگر است . یعنی نسخ احکام شریعت ، و درست تر آن است که بگوئیم : مقصود در آیه همه را شامل است ، چنانکه قرطبی نیز این را برگزیده و گفته است :

... این آیه عام است و شامل همه چیز می گردد، و این اظهر است و خدا داناتر.(8)

طبری و سیوطی از قول ابن عباس آورده اند که او درباره این آیه : *يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ* و *عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ* گفته است : خداوند امور هر سال را در شب قدر تقدیر و برنامه می کند *جَزْ نِيكَ بَخْتِي وَ بَدَبَخْتِي* را... (9)

ب - خدای سبحان در سوره یونس می فرماید:

فلولا كانت قرية آمنت فنفعها إيمانها إلا قوم يونس لما آمنوا كشفنا عنهم عذاب الخزي في الحيوة الدنيا و متعناهم إلى حين

چرا هیچ يك از مردم شهرها و آبادی ها ایمان نیاوردند تا ایمانشان سودشان دهد؟ مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند، عذاب ذلت و خواری را در زندگی دنیا از آنان برداشتیم ، و تا مدتی آنان را برخوردار ساختیم . یونس / 98

شرح کلمات

1 - کشفنا: زایل کردیم ، از بین بردیم ، برداشتیم .

2 - خزی : خواری ، رسوائی .

3 - حین : وقت و زمان نامعلوم که بیش و کم آن مشخص نیست .

تفسیر آیه

فشرده داستان یونس - علیه السلام - آن گونه که در تفسیر طبری و قرطبی و مجمع البیان آمده : چنین است : قوم یونس - علیه السلام - در نینوا از اراضی موصل می زیستند و بت می پرستیدند. خداوند یونس - علیه السلام - را به سوی ایشان فرستاد تا آنان را به اسلام فرا خوانده و از بت پرستی باز دارد. ایشان سرباز زدند، دو نفر از آنان یکی عابد و دیگری عالم ، یونس علیه السلام را پیروی کردند، عابد از یونس - علیه السلام - خواست تا بر علیه آن قوم نفرین کند و عالم او را از این کار نهی کرد و گفت : بر اینان نفرین مکن ، زیرا خدا دعایت را مستجاب می کند ولی هلاکت بندگان را دوست ندارد! یونس - علیه السلام - سخن عابد را پذیرفت و نفرین کرد، خداوند فرمود: عذاب در فلان ماه و فلان روز نازل می گردد. یونس - علیه السلام - آن را به آنان خبر داد، وقت عذاب که نزدیک شد یونس - علیه السلام - به همراه آن عابد از میان ایشان بیرون رفت ولی آن عالم در میانشان باقی ماند.

قوم یونس - علیه السلام - با خود گفتند: ما تا به حال از یونس دروغی ندیده ایم ، مواظب باشید اگر او امشب در بین شما باقی ماند که عذابی در کار نیست ، ولی اگر بیرون رفت بدانید که صبح فردا عذابتان قطعی است . شب که به نیمه رسید یونس - علیه السلام - آشکارا از بینشان بیرون رفت . آنان که این را دانستند و آثار عذاب را مشاهده و به هلاکت خود یقین کردند و به نزد آن عالم رفتند، و او به ایشان گفت : به سوی خدا زاری کنید که او به شما رحم می کند و عذاب را از شما بر می دارد: به سوی بیابان بیرون شوید و زنان و کودکان را از هم جدا کنید و بین حیوانات و بچه هاتان جدائی افکنید، سپس دعا کنید و بگریید! آنان چنین کردند، با زنان و کودکان و چهارپایان خویش سر به صحرا نهادند، لباس پشمینه پوشیدند و اظهار ایمان و توبه کردند و نیت خود را خالص نمودند و میان همه مادران و بچه های آدمی و حیوانات جدائی افکندند سپس نالیدند و فریاد زاری سر دادند.

صداها که درهم پیچید و فریادها که آمیخته شد با ناله و اندوه به سوی خدای عز و جل توجه نموده و گفتند: (پروردگارا) ما به آنچه یونس آورده بود ایمان آوردیم ، خداوند آنان را بخشید و دعایشان را پذیرفت و عذابی را که بر سرشان سایه گسترده بود از ایشان برطرف ساخت و...

خداوند، بدین گونه عذاب را از قوم یونس - بعد از آنکه توبه کردند - محو و برطرف کرد. آری ، خداوند هر چه را بخواهد محو کرده یا برقرار می دارد.

ج - خداوند سبحان در سوره اعراف می فرماید:

وواعدنا موسی ثلاثین ليله و اتممناها بعشر فتم ميقات ربه اربعين ليلة

ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم ، و آن را با ده شب دیگر تکمیل کردیم تا میقات پروردگارش چهل شب تمام شد. اعراف / 142

و در سوره بقره فرموده :

و اذ واعدنا موسی اربعين ليلة ثم اتخذتم العجل من بعده و انتم ظالمون

و آن (به یاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم ، و شما بعد از او - در حالی که ستمکار بودید - گوساله را برگزیدید. بقره / 51

معنای بداء در روایات مکتب خلفا

طیالسی و احمد و ابن سعد و ترمذی روایتی دارند که فشرده آن با عبارت طیالسی چنین است :

قال رسول خدا صلی الله علیه و آله : ان الله اری آدم ذریته فرای رجلا ازهر ساطعا نوره ، قال : یا رب من هذا؟ قال

: هذا ابنك داود! قال : یا رب فما عمره ؟ قال ستون سنه ! قال : یا رب زد فی عمره ! قال : لا الا ان تزیده من

عمرک ! قال و ما عمری ؟ قال : الف سنه ! قال آدم : فقد وهبت له اربعين سنه من عمری ... فلما حضره الموت

و جاء ته الملائكة قال : قد بقی من عمری اربعون سنه . قالوا: انك قد وهبتها لداود

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند نسل آدم را به او نشان داد، آدم در میان آنان مردی را دید با چهره

ای نور افشان ، عرض کرد: خدایا! این کیست ؟ فرمود: این فرزند تو داود است ! عرض کرد: خدایا عمر او چقدر

است ؟ فرمود: شصت سال ! عرضه داشت ! خدایا در عمر او بیفزای ؟ فرمود: نمی شود مگر آنکه از عمر خودت او

بیفزای ؟ عرض کرد: عمر من چقدر است ؟ فرمود: هزار سال ! آدم گفت : من چهل سال از عمرم را به او بخشیدم

... هنگام وفات او که فرا رسید و فرشتگان قبض روح به بالینش آمدند گفت : هنوز چهل سال از عمر من باقی

است !

گفتند: تو خودت آن را به داود بخشیدی ! (10)

این روایت به اضافه آنچه در گذشته ، درباره آثار صله رحم و همانند آن ، از روایات مکتب خلفا آوردیم از مصادیق

یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الكتاب است .

امامان اهل بیت علیهم السلام محو و اثبات را بداء نام نهاده اند که - به یاری خدای متعال - در بخش پنجم آن

را بررسی می نمائیم .

معنای بداء در روایات امامان اهل بیت علیهم السلام

در بحار از امام صادق - علیه السلام - آورده است که فرمود:

ما بعث الله عز و جل نبیا حتی یاخذ علیه ثلاث خصال : الاقرار بالعبودیه ، و خلع الانداد، و ان الله یقدم ما یشاء و

یوخر ما یشاء

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه سه چیز را از او خواسته است : اقرار به بندگی خدا، نفی هرگونه شریک و همتا برای او، و اینکه خداوند هر چه را بخواهد مقدم داشته و هر چه را بخواهد واپس می دارد.(11) امام صادق - علیه السلام - همین معنی را در بیان دیگری با لفظ محو و اثبات آورده و فرموده :
ما بعث الله نبيا قط حتى يأخذ عليه ثلاثا: الاقرار بالعبودية ، و خلع الانداد، و ان الله يمحو ما يشاء و يثبت ما يشاء

خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه سه چیز را از او خواسته است : اقرار به عبودیت خدا، نفی هر گونه شریک و همتا برای او، و اینکه خداوند هر چه را بخواهد محو کرده و هر چه را بخواهد برقرار می دارد. (12) و در روایت سومی محو و اثبات را بداء نامیده که فشرده آن چنین است :
ما تنبا نبی قط حتی یقر لله تعالی ... بالبداء...

هیچ پیامبری هرگز نشان پیامبری نگیرد مگر آنکه برای خدای متعال به این امور اعتراف نماید:... یکی از آنها اعتراف به بداء است ... (13)

از امام رضا - علیه السلام - روایت کرده اند که فرمود:

ما بعث نبیا قط الا بتحريم الخمر، و ان یقر له بالبداء

خداوند هرگز پیامبری را نفرستاده مگر با حرمت شراب و اینکه به بداء (= محو و اثبات) در حق خدا اعتراف نماید. (14)

و در روایت دیگری ، امام صادق - علیه السلام - از زمان محو و اثبات نیز خبر داده و فرموده :

اذ كان ليلة القدر نزلت الملائكة و الروح و الكتب الى سماء الدنيا فيكتبون ما يكون من قضاء الله تعالى في تلك

السنه فاذا اراد الله ان يقدم شيئا او يؤخره او ينقص شيئا امر الملك ان يمحو ما يشاء ثم اثبت الذي اراد

شب قدر که می شود فرشتگان و روح و نویسندگان به آسمان دنیا فرود می آیند و هر چه را خدای متعال در آن

سال مقرر فرموده می نویسند، و اگر خدا بخواهد چیزی را پیش انداخته یا واپس بدارد، یا چیزی را بکاهد، به

فرشته مامور فرمان می دهد آن را همان گونه که خواسته محو و نابود یا برقرار بدارد. (15)

امام باقر - علیه السلام - نیز در بیان دیگری از آن خبر داده که فشرده آن چنین است :

تنزل فيما الملائكة و الكتب الى السماء فيكتبون ما هو كائن في امر السنه و ما يصيب العباد فيها. قال : و امر

موقوف لله تعالى فيه المشيئة يقدم منه ما يشاء و يؤخر ما يشاء و هو قوله تعالى : يمحو الله ما يشاء و يثبت و

عنده ام الكتاب (16)

در شب قدر فرشتگان و نویسندگان به آسمان دنیا فرود می آیند و هر چه را که در آن سال شدن است و هر چه

در آن به بندگان می رسد، همه را می نویسند. فرمود: و کارهائی است که وابسته به مشیت الهی است ، هر چه را

بخواهد مقدم داشته و هر چه را بخواهد واپس می دارد، و این معنای سخن خدای متعال است که فرموده :

يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده ام الكتاب .

امام باقر - علیه السلام - در حدیث دیگری درباره این آیه : و لن يؤخر الله نفسا اذا جاء اجلها خداوند هرگز مرگ

کسی را - هنگامی که اجلش فرا می رسد - به تاخیر نمی اندازد.

فرمود: زمانی که اجل فرود آید و نویسندگان آسمان آن را بنویسند، این اجل را خداوند به تاخیر نمی اندازد. (17)

علامه مجلسی در این باب از بحار همان داستانی را که آدم - علیه السلام - چهل سال از عمر خود را به داود

بخشید و ما آن را در روایات مکتب خلفا آوردیم ، آورده است . (18)

این ، معنای بداء در روایات امامان اهل بیت بود. اما بداء به این معنی که ، باری خداوند رای جدید و تازه ای در کار پیدا شود که پیش تر آن را نمی دانسته - معاذ الله - این دیدگاه در مکتب اهل بیت منکر و مردود است ، و ما از آن به خدا پناه می بریم . دیدگاه امامان اهل بیت علیهم السلام در این باره همان است که مجلسی از امام صادق آورده ، امام علیه السلام فرموده :

من زعم ان الله عز و جل یبدو له فی شی لم یعلمه امس فابروا منه

هر کس بگوید برای خدای عز و جل در چیزی ، رای تازه و جدیدی پیدا می شود که پیش تر آن را نمی دانسته ، از او بیزاری بجوئید. (19)

اثر اعتقاد به بداء

اگر کسی معتقد گردد که ، برخی از انسانها که در زمره نیک بختان قرار گرفته اند هرگز حالشان عوض نگردد و هیچ گاه در ردیف بدبختان قرار نمی گیرند، و برخی از انسانها که در زمره بدبختان قرار گرفته اند هرگز حالشان عوض نشده و در ردیف نیک بختان در نمی آیند، و قلم از تغییر سرنوشت انسانها خشکیده و بازمانده است ، اگر چنین تصویری در کار باشد، یقیناً گناهکار از گناه خویش توبه نمی کند که هیچ ، بلکه به کار خود ادامه می دهد، زیرا می پندارد که شقاوت و بدبختی سرنوشت حتمی اوست و امکان تغییر در آن نیست ! از طرف دیگر، شیطان ، بنده نیکوکار را وسوسه می کند که ، تو از نیک بختانی و در زمره اشقیای بدبخت نخواهی رفت ، و همین وسوسه کافی است که او را به سستی در عبادت و اطاعت بکشانند و با او آن کند که نباید.

برخی از مسلمانان که معانی آیات و روایات وارد درباره مشیت را به وضوح و کمال در نیافته اند به دو گروه تقسیم شده اند: گروهی چنین پنداشته اند که ، انسان بر آنچه می کند مجبور است ، و گروه دیگر معتقد شده اند: همه کارها به انسان تفویض و واگذار شده است . ما در بحث آینده جبر و تفویض و قضا و قدر - به یاری خدا - این موضوع را بررسی کرده و راه حق و صواب در این باره را باز می شناسیم .

پاورقی

1- هر سه حدیث را طبری در تفسیر آیه آورده است . ابو وائل شقیق بن مسلمه اسدی کوفی است ، شرح حال او در تهذیب التهذیب (10 / 354) چنین است که : ثقة است و مخضرم (= جاهلیت و اسلام را درک کرده است) در زمان صحابه و تابعین حضور داشته و در خلافت عمر بن عبدالعزیز در سن یکصد سالگی از دنیا رفته است .

2- بحار ج 98 ص 162.

3- صحیح بخاری (جلد 3 ص 34) کتاب الادب باب (12 و 13)، و صحیح مسلم ص 1982 حدیث (20 و 21) از باب صله رحم و مسند احمد (جلد 3 ص 247 و 266 و جلد 5 ص 76).

4- انعام / 2.

5- تفسیر قرطبی (جلد 9 ص 329 - 331).

6- مقدمه سنن ابن ماجه باب 10 حدیث 90.

7- تفسیر ابن کثیر جلد 2 ص 519.

8- تفسیر قرطبی جلد 2 ص 329.

9- تفسیر طبری جلد 13 ص 111 و تفسیر سیوطی جلد 4 ص 65. - عبارت از طبری است .

10- مسند طایلسی ص 350 حدیث 2692، مسند احمد جلد 1 ص 251 و 298 و 371، طبقات ابن سعد چاپ

- اروپا جلد 1 قسمت اول ص 7-9، سنن ترمذی جلد 11 ص 196 و 197. در تفسیر سوره اعراف. در کتاب بحارالانوار جلد 4 ص 102 - 103 نیز با اختلافی اندک آن را از امام باقرآورده است .
- 11-بحار جلد 4 ص 108 به نقل از توحید صدوق .
- 12-بحار جلد 4 ص 108 به نقل از توحید صدوق .
- 13-بحار جلد 4 ص 108 به نقل از توحید صدوق .
- 14-بحار جلد 4 ص 108 به نقل از توحید صدوق .
- 15-بحار جلد 4 ص 99 به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم .
- 16-بحار جلد 4 ص 102 به نقل از امالی شیخ مفید.
- 17-همان مرجع .
- 18-بحار جلد 4 ص 102 به نقل از علل الشرائع .
- 19-بحار جلد 4 ص 111 به نقل از اکمال الدین صدوق .